ادامه از صفحه ۱۲

شورش علیه نابرابری و تبعیض

شیلیایی‌ها زمین موعود را دیده‌اند، ولی به آنها اجازه داده نشده است که به آن وارد شوند. همانند یک مسافر درمانده که به دلیل خشم می‌خواهد اتاق انتظار فرودگاه را تخریب کند، بسیاری از شیلیایی‌ها آخر هفته‌ای آکنده از خشم داشتند و درخواست داشتند که بالاخره اجازه داده شود از دروازه‌ها عبور کنند.

بسیاری از معترضان در مورد نارضایتی انباشته از مدل اقتصادی شیلی صحبت می‌کنند. یک عبارت معمول در بین معترضان این مورد بود: «مسئله افزایش ۳۰ پزویی (۴ سنت آمریکا) کرایه مترو نیست، بلکه مسئله ۳۰ سال سوءاستفاده است». اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که شیلیایی‌ها ترکیبی از خدمات عمومی بهتر و بازارهای رقابتی‌تر می‌خواهند نه‌اینکه سیستم بازارمحور به‌کلی کنار گذاشته شود.

شکل غارت‌ها (به‌ویژه تخریب ایستگاه‌های مترو در سانتیاگو) باعث شد که در مورد «خودانگیخته‌بودن» این اعتراضات بدگمانی به وجود بیاید. دولت که به دنبال فتح مجدد جبهه‌های خود است، به‌جای شنیدن پیام ناراضیان تلاش می‌کند تا دشمنان سیاسی‌اش را مقصر جلوه دهد (ازجمله چپ افراطی در شیلی که از اعتراضات مسالمت‌آمیز حمایت کرده، ولی اعتراضات خشونت‌آمیز را به طور جدی محکوم نکرده است).

گشودن دروازه‌های زمین موعود

بله، مسئله روشن است: شورش‌ها نه نشانه‌ای هستند از اینکه شیلیایی‌ها از مدل اقتصادی که از زمان احیای دموکراسی برقرار است خسته شده‌اند و نه مدرکی مبنی‌بر یک توطئه بین‌المللی جناح چپ برای بی‌ثبات‌کردن یک حکومت دست‌راستی میانه‌رو دموکراتیک. واضح است که حکومت پینیه‌را به دلیل شیوه واکنشش به بحران مقصر است. اما در جنبش دانشجویی کرایه عادلانه و حتی در غارت سوپرمارکت‌ها (که شاهد این بوده‌ایم که مردم با برداشتن تلویزیون، یخچال و ماشین لباسشویی فرار می‌کنند) پیام عمیق‌تری وجود دارد.

پس از اینکه دولت وضعیت اضطراری اعلام کرد، شیلیایی‌های مسن‌تر به یاد خاطرات سال‌های حکومت‌نظامی در دهه ۱۹۸۰ افتادند، اما در طول آن دوره، مطالبه ساده و روشن بود: پینوشه بیرون برود و دموکراسی بیاید. امروزه مطالبات بسیار مبهم‌تر است. واضح است که پینیه‌را محبوب نیست، ولی او رئیس‌جمهور مشروع شیلی است و در دوره تصدی او رسوایی بزرگی پیش نیامده است. او فرد جذابی نیست و به نظر می‌رسد برایش زیاد مهم نیست (یا نمی‌فهمد) که شیلیایی‌ها از چه چیزی وحشت دارند، چه چیزی می‌خواهند یا به چه چیزی باور دارند. همان‌طور که با کوتاه‌آمدن دولت از افزایش هزینه مترو در روز شنبه، نارضایتی‌ها فرونشست، استعفای پینیه‌را نیز مسئله اساسی این شورش‌ها را حل نخواهد کرد.

۳۰ سال پیش که من اولین کلاس سیاست آمریکای‌لاتین خود را می‌گذراندم، آموختم ونزوئلا که در برابر امواجی از اقتدارگرایی مصون ماند که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ منطقه را دربر گرفتند، توسعه‌یافته‌ترین و باثبات‌ترین دموکراسی در آمریکای‌لاتین بود. اما این کشور سه مشکل داشت: وابستگی شدید به یک کالای خاص (نفت)، سطوح بالای نابرابری و یک سیستم نخبگان سیاسی غیرپاسخ‌گو و فاسد. اگر این مسائل را کنار می‌گذاشتیم، ونزوئلا موفق‌ترین دموکراسی در آمریکای‌لاتین بود. من امروز به‌عنوان یک استاد دانشگاه به دانشجویانم درس می‌دهم که شیلی موفق‌ترین دموکراسی در آمریکای لاتین است؛ ولی این کشور سه مشکل دارد: وابستگی شدید به مس، سطوح بالای نابرابری و سیستم سیاسی فاسد و غیرپاسخ‌گو.

امروز شیلی در وضعیتی بسیار بهتر از ونزوئلای ۳۰ سال پیش است. شیلی از هر زمان دیگری در گذشته نابرابری کمتری را تجربه می‌کند. اقتصادش متنوع‌تر از گذشته است و نخبگان سیاسی حاکم فساد بسیار کمتری دارند و بسیار پاسخ‌گوتر از حکومت قدیمی ونزوئلا هستند؛ اما نخبگان شیلیایی تمایل ندارند که دروازه‌های زمین موعود را به سوی طبقه متوسط نوظهور بگشایند. نخبگان شیلیایی از درس‌هایی از تجربه مخرب ونزوئلا از اوایل دهه ۱۹۹۰ بهره می‌برند. اگر مزایای رشد اقتصادی (زمین موعود) به شکل عادلانه‌تری توزیع نشوند، زمین موعود به جهنمی برای همه تبدیل خواهد شد.

فرصت عمل‌کردن برای نخبگان شیلی کوتاه است. خوشبختانه به نظر می‌رسد که نخبگان حاکم این پیام را به‌خوبی دریافت کرده باشند. اگر شیلی راهی بیابد تا دروازه‌ها را بگشاید، شورش‌های سال ۲۰۱۹ به یک «کاراکازو» جدید بدل نخواهد شد که نشانه شکست کشورهای آمریکای لاتین در راستای غلبه بر میراث بی‌ثباتی و نارضایتی است که در سطوح پایدار و بالای نابرابری ریشه دارد.

*** این یادداشت به سفارش مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه تنظیم شده است. هدف این مرکز ایجاد چارچوبی است برای بهبود کیفیت نهادها به‌ویژه دو نهاد مهم حاکمیت و جامعه و تلاش می‌کند تا از طریق ایجاد و تقویت شبکه‌های اصلاحی بتواند گام‌هایی در حل مسائلی مانند شفافیت، مقابله با فساد، فقر، نابرابری و تعارض منافع برداشته و زمینه را برای کارآمدسازی حاکمیت و تقویت جامعه مدنی فراهم کند.**

محسن هاشمی در گفت‌وگو با «شرق» در واکنش به ادعای کاخ‌نشینی آیت‌الله مطرح کرد

کدام‌یک از مسئولان کاخ‌نشین هستند

صدرا محقق: سه سال از فوت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی می‌گذرد اما هنوز به‌کارگیری کلیدواژه‌های کاخ و کاخ‌نشینی در کنار اسم او جنجالی و خبرساز می‌شود. در جدیدترین اتفاق، چند روز پیش پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان در یک برنامه تلویزیونی به همین ماجرا اشاره و به نوعی از آنچه کاخ‌نشینی ۲۵ساله آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در کاخ مرمر خواند، انتقاد کرد؛ موضوعی که البته با واکنش گلایه‌آمیز محسن هاشمی، پسر بزرگ آیت‌الله نیز همراه شد. او درهمین‌باره یک نامه هم خطاب به فتاح نوشت و اعلام کرد اگر فتاح سخنانش را تصحیح نکند، او هم صحبتی خواهد کرد و برخی مطالب را خواهد گفت.

محسن هاشمی حالا در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره توضیحات و نکات جدیدی را مطرح کرد و به آنچه کاخ‌نشینی آیت‌الله هاشمی اعلام شده واکنش نشان داد. او دراین‌باره گفت: «در همه سال‌های پس از انقلاب همه دیگر مقامات کشور که مسئولیت‌هایی حکومتی داشته و دارند، اعم از مسئولان قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس‌جمهور و معاون‌اول و دولت ۴۰ سال است به‌واسطه مسئولیتشان در کاخ‌های بازمانده از دوره پهلوی مستقر هستند».

آنچه پرویز فتاح در برنامه نگاه یک شبکه یک در پاسخ به پرسش مجری برنامه دراین‌باره گفت، به‌صورت دقیق به این شرح بود: «مجمع تشخیص مصلحت نظام و شخص مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حدود ۲۰ تا ۲۵ سال پیش بعد از ریاست‌جمهوری در کاخ مرمر مستقر شدند. همان زمان هم به نظر می‌رسید که این استقرار درست نبود، چون مسئولان نظام نباید در این کاخ‌ها بنشینند. این کاخ‌ها را ملت از آن نظام گرفته و باید در خدمت ملت قرار بگیرد. بعد از فوت ایشان کاخ تخلیه شد اما نه به‌راحتی بلکه بعد از ادعاها و جروبحث‌های زیاد. این یکی از آن مواردی بود که نمی‌دانستیم پیش چه کسی شکایتمان را ببریم و به ملت چه جوابی بدهیم. ولی تلاش‌هایی که صورت گرفت و بیت رهبری هم خیلی با جدیت پیگیری کردند و همکاری‌ای که مجمع تشخیص مصلحت نظام این اواخر داشتند، تخلیه شد».

خبر همین اظهارات فتاح البته در رسانه‌های اصولگرا به شکل‌های مختلفی منتشر شد. از جمله آنکه خبرگزاری فارس گزارشی دراین‌باره نوشت با این تیتر: «حضور ۲۵ساله آیت‌الله در کاخ مرمر!». سایت خبری مشرق‌نیوز هم مطلب را با این تیتر بازنشر کرد: «زندگی ۲۵ساله آیت‌الله در کاخ مرمر»، خبرگزاری دانشجو که براساس شناسنامه، صاحب‌امتیاز آن «بسیج دانشجویی» است هم گزارشی از اظهارات فتاح منتشر کرد با این تیتر:« فتاح: کاخ مرمر را بعد از ۲۵ سال سکونت به بدبختی از خانواده هاشمی گرفتیم».در بخشی از گزارش خبرگزاری فارس و مشرق دراین‌باره هم چنین پرسشی مطرح شده است: «حالا باید منتظر ماند و دید که آیا سکونت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به همراه خانواده در این کاخ صحت داشته است».

شاید همین شیوه بازتاب‌ها و واکنش‌ها بود که باعث شد محسن هاشمی واکنش نشان بدهد و اعلام کرد دراین‌باره توضیحاتی خواهد داد. او در گفت‌وگویی با «شرق» دراین‌باره چنین توضیحاتی ارائه داد: « ابتدا بگویم که به نظر من این یک حرکت کاملا انحرافی و تخریبی بود که نباید اتفاق می‌افتاد و معتقدم بحثی که الان مطرح شده یکسری حرف‌های انحرافی است و فقط برای تبلیغات و انتخابات است. من البته فکر نمی‌کنم منظور آقای فتاح تخریب بوده بلکه از صحبت ایشان سوءاستفاده شده است؛ کسانی از صحبت‌های او برداشت کردند، برای اهداف خودشان. این جمله را به نقل از من بنویسید که بعید می‌دانم آقای فتاح قصد تخریب آیت‌الله هاشمی را داشتند یا اینکه ایشان نمی‌دانسته در طول ۴۰ سال انقلاب اسلامی بیست‌وخرده‌ای سال قوه قضائیه در کاخ مرمر بوده و بقیه‌اش هم مجمع تشخیص مصلحت نظام».

هاشمی در ادامه دراین‌باره افزود:« این منطقه پاستور منطقه حکومتی دوره پهلوی بوده، منطقه حکومتی قاجار جای دیگری بود ولی اینجا منطقه حکومتی دوره پهلوی بود. در این منطقه کاخ‌های متعددی هست و تقریبا همه کاخ‌ها توسط مدیران جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و هنوز هم همین‌طور است. مثلا محوطه ریاست‌جمهوری از قدیم معروف بوده به کاخ سفید، ساختمان سفیدی که آقای روحانی الان در آن مستقر است. کنارش یک کاخ دیگری هست که به کاخ قرمز معروف است. یک کاخ دیگر هم هست به نام کاخ شاهپور غلامرضا که قوه قضائیه در آن مستقر است. جایی که آقای جهانگیری مستقر است و هیئت دولت تشکیل می‌دهد هم کاخ نخست‌وزیری بوده، پایین‌تر از آنکه الان شورای نگهبان است هم کاخ فرح و کاخ‌های این‌طوری بوده است».

براساس گفته محسن هاشمی اولین ساختمانی که در این محل ساخته شده همین کاخ مرمر بوده که به دست رضاشاه و در سال ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ شروع شده و سال ۱۳۱۳ به اتمام رسیده، اول رضاشاه در آن مستقر بود، بعد از مدتی محمدرضا شاه آنجا مستقر شد که ترور نافرجام او در همین کاخ اتفاق افتاد، البته اینجا همیشه منطقه حکومتی بوده، یعنی منظورم این نیست که کاخ محل زندگی شاه بوده، چون منطقه حکومتی بوده کاخ هم مربوط به امور حکومتی بوده است در آن سال‌ها. بعد از آن شاه رفت به کاخ نیاوران. بعد از انقلاب هم اولین‌بار قوه قضائیه در آن مستقر شد، در طول سال‌های انقلاب فکر کنم آقایان صانعی و موسوی‌اردبیلی و یزدی تا سال ۷۴ یا ۷۵ در همین کاخ مستقر بودند؛ یعنی از حدود اوایل انقلاب تا این سال‌ها، بعد از آن چون این کاخ درب و داغان و به هم ریخته شده بود، قوه قضائیه جابه‌جا شد و رفت در کاخی دیگر، یعنی همین کاخ الان که آقای رئیسی هم آنجا مستقر است، همان کاخ مربوط به شاهپور غلامرضا».

عکس: سهند تاکی، شرق

او در ادامه گفت‌وگو با «شرق» درباره کاخ مرمر این‌طور توضیح داد: «بعد از مدتی که قوه قضائیه از کاخ مرمر رفت، یعنی از اوایل ۷۵ تا ۷۶، کاخ مرمت شد که آقای مرحوم حبیبی به‌عنوان معاون‌اول رئیس‌جمهور مسئولیت ترمیم آن را بر عهده داشت. در حقیقت اینجا همیشه از اول انقلاب به‌عنوان یک مقر حکومتی مورد استفاده بوده و فقط یک سال بلااستفاده بود که آن هم زمانی بود که داشت مرمت و ترمیم می‌شد. به غیر از این وقتی مرحوم هاشمی فوت می‌کنند هم آقای موحدی و هم آقای هاشمی‌شاهرودی اینجا بودند، یعنی تا حدود یک سال و نیم بعد از فوت حاج آقا. بعد که مجمع تشخیص مجلس قدیم را تحویل گرفتند، به آنجا نقل مکان کردند».

محسن هاشمی همچنین در ادامه افزود: «البته همیشه در این سال‌ها بحثی بین بنیاد مستضعفان و دولت مطرح بوده که آیا اینجا اصلا متعلق به بنیاد مستضعفان هست یا نه، چون اموال پهلوی طبق قانون مشخص شده بود که به بنیاد تحویل داده شود، ولی عده‌ای معتقد بودند جزء اموال پهلوی به حساب نمی‌آید و یک مقر حکومتی بوده، مثل سایر کاخ‌ها که الان و هنوز هم مقر حکومتی هستند».

او در پاسخ به این سؤال که پاسخ شما به آنچه درباره زندگی آیت‌الله هاشمی در کاخ مرمر مطرح شده چیست، این‌طور گفت: «نکته این است که بعد از فوت حاج آقا که ما اصلا آنجا نبودیم و خانواده ما که اصلا اینجا حضور نداشتند و نبودند، بلکه جلسات مجمع همچنان در این کاخ برگزار می‌شد و رؤسای مجمع هم دفترشان همین‌جا بود. من هم تنها مدتی چون سرپرست دفتر حاج آقا بودم توی این کاخ می‌رفتم، ولی بعد از فوت ایشان ما هیچ‌وقت نرفتیم آنجا، چون این کاخ که در اختیار آقای هاشمی نبود، بلکه در اختیار مجمع تشخیص بود و جلسات مجمع در آن تشکیل می‌شد».

علاوه بر محسن هاشمی البته «غلامرضا جوادی‌قمی»، قائم‌مقام و مدیر کل سابق حوزه ریاست دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در همین رابطه در گفت‌وگویی با خبرگزاری برنا اعلام کرد: «همه صحبت‌های فتاح مورد تأیید نیست. در آن دوره کسی به زور وارد ساختمان مرمر نشد و مجمع با مصوبه جلسه شورا در آن محل تشکیل جلسه می‌داد».

او نیز به سابقه استفاده از این کاخ اشاره کرد و در توضیح گفت: «ساختمان مرمر بعد از انقلاب محل تشکیلات قضائی شد و قوه قضائیه جدید با مسئولیت آیت‌الله یزدی در محل فعلی کاخ مرمر فعالیت کرد که در مدتی که در آنجا بودند، آسیب جدی به قسمت گنبد ساختمان وارد شد و در نهایت در توافقی بین ریاست‌جمهوری وقت، میراث فرهنگی و قوه قضائیه ساختمانی در ضلع شمالی کاخ مرمر به قوه قضائیه سپرده شد و ساختمان مرمر تخلیه و بازسازی شد. من و یک مهندس دیگر ساختمان مرمر را حدود دو سال بازسازی کردیم، آسیب‌هایی جدی به ساختمان وارد شده بود. در مدتی که ساختمان مرمر مورد بهره‌برداری مجمع تشخیص قرار گرفته بود، از آن مراقبت می‌شد. اگر از این ساختمان استفاده نمی‌شد، تخریب‌های بیشتری متوجه‌اش بود».

کاخ مرمر به‌دلیل نوع سنگی که در نمای آن به کار رفته، به این نام شناخته می‌شود و حالا بنیاد مستضعفان اعلام کرده قرار است آن را به یک موزه برای بازدید عموم تبدیل کند. البته با توجه به واقع‌شدن این کاخ در وسط منطقه حکومتی که تردد و رفت‌وآمد به آن با محدودیت‌ها و قوانین خاصی مواجه است، باید دید نوع بازدید از آن به چه شکل خواهد بود.

رنج محیط زیست و سلاح‌های دارای مجوز

ابراهیم احمدیان : هفته قبل چند روزی با محیط‌بانان سازمان محیط زیست در غرب کشور بودم. در دو روز چند گروه شکارچی را دستگیر کردند. همگی تفنگ‌های مجوزدار داشتند. مجوز حمل سلاح غیر از مجوز شکار است. مجوز شکار را همین سازمان به صورتی بسیار محدود و کنترل‌شده صادر می‌کند. در مجوز شکار، نوع و تعداد شکار، مشخصات شخص شکارچی و مهلت شکار قید می‌شود. برخلاف صدور مجوز شکار که در کنترل سازمان حفاظت محیط زیست است، صدور مجوز حمل سلاح در بیرون از نظارت و کنترل سازمان و بر عهده نیروهای مسلح است. سازمان حفاظت محیط زیست حتی نمی‌داند چه تعداد سلاح مجوزدار در دست مردم است. بااین‌حال، بیشترین رنج ناشی از مجوز حمل سلاح را سازمان حفاظت محیط زیست می‌برد؛ مثلا تعداد بسیاری از محیط‌بانانی که به دست شکارچیان به شهادت رسیده‌اند، با تفنگ مجوزدار تیر خورده‌اند. این شاید نشانگر آن است که در صدور مجوز حمل سلاح به افراد، دقت لازم انجام نمی‌شود. حتی گاهی افرادی که سوءسابقه دارند، به نام نزدیکان خود مجوز می‌گیرند. در میان تفنگ‌های مجوزدار فقط نوع مخصوص شکار به چشم نمی‌خورد، بلکه برای سلاح‌های جنگی خطرناکی مانند انواع پنج‌تیر برنو (که سال‌ها اسلحه سازمانی ارتش کشورهایی مثل ایران و آلمان بوده) به بهانه‌های مختلف (مانند حفاظت از دام و گله) مجوز حمل صادر می‌شود. بنا بر مشاهدات نگارنده، شمار درخور توجهی از شکارچیان غیرمجاز در مناطق غرب ایران، گله‌دارانی هستند که برای حفاظت از دام خود مجوز حمل سلاح دریافت کرده‌اند. نکته عجیب این است که در پروانه حمل سلاح قید می‌شود که حمل این سلاح در کل کشور آزاد است، درحالی‌که مثلا یک دامدار سیار فقط بین چند استان مشخص ییلاق و قشلاق می‌کند نه کل کشور و این نامحدودبودن اجازه حمل سلاح باعث شده است افراد دارای مجوز حمل سلاح، گاه برای شکار حتی به استان‌های دیگر هم سفر کنند. کنترل رفتار دارندگان سلاح در مناطق حیات وحش با وجود کمبود شدید نیروی محیط‌بان، به‌روزنبودن وسایل و امکانات پایش مناطق حیات وحش و به‌تازگی مشکل تأمین بنزین خودروهای گشت و کنترل محیط‌بانی، بسیار دشوار و به صورت کامل ممکن نیست.

تخمین زده می‌شود بیش از یک میلیون سلاح مجوزدار و همین تعداد سلاح غیرمجاز در دست مردم ایران باشد. طبق قانون، هر ایرانی بالغ می‌تواند دو قبضه اسلحه در تملک داشته باشد، حتی اگر نیازی به اسلحه نداشته باشد. معلوم نیست از چه رو چنین حقی به صورت قانونی مقرر شده است. به عقیده مسئولان سازمان محیط زیست، وجود اسلحه در دست افراد می‌تواند مشوق آنها به شکار غیرمجاز شود؛ زیرا امکان اجازه شکار به همه تفنگ‌داران ممکن نیست. علاوه بر مسئله حیات وحش که به گفته کارشناسان تاب تحمل این همه سلاح شکاری را ندارد، وجود سلاح مجوزدار و بدون مجوز با این تعداد بالا، خود یک معضل اجتماعی بالفعل برای کل کشور و تهدید امنیتی بالقوه در برخی مناطق کشور است.

ظاهرا راه چاره‌ای نیست جز ایجاد محدودیت بیشتر برای صدور پروانه حمل سلاح، دخالت‌دادن سازمان حفاظت محیط زیست در امر صدور مجوز حمل سلاح و درنظرگرفتن ملاحظات این سازمان و جدیت بیشتر نیروی انتظامی در جلوگیری از ورود سلاح غیرمجاز به کشور. تأسیس باشگاه‌های تیراندازی برای تخلیه شوق و میل افراد به تیراندازی نیز می‌تواند در بهبود وضعیت تا حدودی کمک کند.

خبر

تداوم فعالیت سامانه بارشی در کشور تا روز جمعه

● **ایسنا:** مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی ضمن اشاره به اینکه فعالیت سامانه بارشی در کشور تا روز جمعه (چهارم بهمن) ادامه دارد، گفت: این سامانه بارشی به‌تدریج در صبح جمعه از کشور خارج می‌شود. صادق ضیائیان اظهار کرد: براساس تحلیل آخرین نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی امروز (سوم بهمن) شدت بارش‌ها از سمت غرب کم می‌شود و به‌تدریج نیمه شرقی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین این سامانه بارشی از اوایل وقت روز جمعه (چهارم بهمن) از نوار شرقی کشور خارج می‌شود. ضیائیان با اشاره به اینکه امروز بیشتر مناطق کشور آسمانی ابری، گاهی همراه با رعد و برق دارند، گفت: فردا شدت بارش در شرق و جنوب کشور بیشتر خواهد شد. به گفته او، در این روز افت محسوس دما در نیمه شمالی کشور رخ می‌دهد و در روز یکشنبه (ششم بهمن) نیز بارش برای برخی از مناطق شرق و جنوب شرق کشور دور از انتظار نیست. تنگه هرمز و غرب دریای عمان و روز جمعه (چهارم بهمن) غرب دریای خزر مواج است. آسمان تهران نیز امروز ابری همراه با مه رقیق و در بعضی از ساعات بارش برف و اوایل شب نیمه‌ابری با حداقل دمای صفر و حداکثر دمای چهار درجه سانتی‌گراد و در روز جمعه (چهارم بهمن) ابری و در بعضی از ساعات مه‌آلود همراه با بارش پراکنده پیش‌بینی می‌شود.

معرفی متخلفان ارزی در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی

● **ایلنا:** سخنگوی سازمان غذا و دارو از معرفی متخلفان ارزی در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی به دستگاه قضا خبر داد. کیانوش جهانپور، سخنگوی سازمان غذا و دارو، درباره نتیجه پرونده‌های تخلفات ارزی در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی گفت: تخلفاتی که در حوزه ارزی ممکن است انجام شده باشد، تخلفات مختلفی است؛ بخشی از آنچه مربوط به شرکت‌های دارو و تجهیزات پزشکی است، به تخلفات این شرکت‌ها در حوزه عدم ایفای تعهدات برمی‌گردد. او با بیان اینکه برخی از شرکت‌ها ممکن است ارزی را دریافت کرده و در موعد مقرر کالای مورد نظر را وارد نکرده باشند، گفت: براساس حسابرسی ارزی که برای تعهدات سال ۹۷ انجام شد، تخلف حدود ۱۷ میلیون یورویی در این زمینه آشکار و پرونده به مرجع قضائی ارسال شد.